

کارگران، کمونیستها، آزادیخواهان

از این نمایش مضحک، فقط با تمسخر عبور نکنید!

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

در باره فراخوان های ۱۷ دی و ۱۸ دی

سوءاستفاده سیاسی موقوف

صفحه ۴

سیاوش دانشور

۱۸ دی: حکومت آدمکش نمیخوایم!

سالگرد کشتار مسافرین هواپیمای اوکراینی

صفحه ۵

امیر عسگری

قطعهنامه مصوب کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

ترهائی در باره تحول انقلابی در ایران

و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

گوزوو،

خطر جنگ قومی بر سر پلاک ماشین

بیانیه مفاد سرنگونی

انقلابی جمهوری اسلامی

میزگرد و سخنرانی در لندن

خیزش انقلابی ایران، چشم انداز و نقش زنان

و طبقه کارگر

۶۸۰

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۶ دی ۱۴۰۱ - ۶ ژانویه ۲۰۲۳

خامنه ای و حجاب اسلامی

سُمه زنان و مردان انقلابی پُر زور است. خامنه ای که بی مناسبت جایی ظاهر نمیشود، روز چهارشنبه ۱۴ دی با تعدادی از "زنان نوب در ولایت" دیدار و سخنرانی کرد تا حرف نظام را در قبال حجاب اسلامی بزند. خامنه ای ناچار شده سکوتش را بشکند چون بیشتر زنان اصولاً حجاب رعایت نمی کنند و با کلاً کنار نهاده اند. گشت ارشاد ظاهراً جایی گم و گور شده اما دستجات خشن در خیابانها و ایستگاه های مترو مستقر شدند. با اینحال کسی جدی شان نمی گیرد و تهدیدها هرچه علیه بی حجابی زنان غلیظ تر میشود، تاثیری ندارد و صرفاً اسباب مسخره کردن گویندگانش را فراهم می آورد.

خامنه ای برای بیحقوقی زنان در کشورهای غربی اشک تمساح می ریزد، حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی در کشورهای غربی را "عین اسارت و اهانت به زن" مینامد و بر مخالفت اسلام با آزادی زن تاکید می کند. البته اینها را گفت که خودش را از تک و تا نیاندازد. او خواست بنوعی با وضع موجود در داخل کشور کنار بیاید، با نرمشی زبوانه یک گام عقب بنشیند اما صورت نظام را با سیلی سرخ نگاهدارد. اینروزها تعدادی از آخوندها و خشکه مقدس ها علیه زنانی که تن به حجاب نمیدهند تهدید می کنند، "محارب" و "ضد انقلاب" و القاب شایسته خودشان را به روی زنان صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خامنه ای و حجاب اسلامی ...

آزادیخواه و برابری طلب پرت می کنند. خامنه ای اینها را تعدیل کرد، بخش "ضعیف الحجاب" را "زنان و دختران خودمان" خواند، گفت زنانی که تن به حجاب نمی دهند "ضدانقلاب" نیستند. طلبکار هم شد که خیلی از زنان در جریان اعتراضات کشف حجاب نکردند، "حجاب نیمه کاره" داشتند و این یعنی "توی دهان تبلیغ کننده و فراخوان فرستنده ها" زدند! او نکات بی ربط بیشتری گفت از جمله در باره "دو نقش کلیدی مادری و همسری" زن و وعده پست و مقام برای زنان حکومتی در مدارج بالا در آینده.

در جامعه ای که با یک انقلاب زنانه و یک موج برگشت ضد اسلامی روبرو است، در مملکتی که آخوند این نماد جاهلیت جرات ندارد یکساعت آزادانه در خیابان قدم بزند، این ژست های خامنه ای زیادی توخالی است. جواب زنان و مردان انقلابی به این ترهات خامنه ای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "نه روسری نه توسری آزادی و برابری" است. تردید ندارم حتی بخشی از همان "زنان فریخته" حکومتی که ناچار شدند پای صحبت "رهبر" بنشینند، از ته دل این موجود سفاک و ضد زن را لعنت کرده اند.

خامنه ای بیخود دست و پا میزند. حجاب اسلامی عملاً ورافتاده است. اینروزها هر نماد و سمبل و مجسمه حکومت در آتش خشم انقلابی مردم است. در سالروز کشته شدن قاسم سلیمانی همه جای ایران پوسترها و مجسمه های منحوسش را روز روشن به آتش کشیدند. جمهوری اسلامی با این همه دستگاه امنیتی و سرکوب بحدی مفلوک شده که یک آشپز را

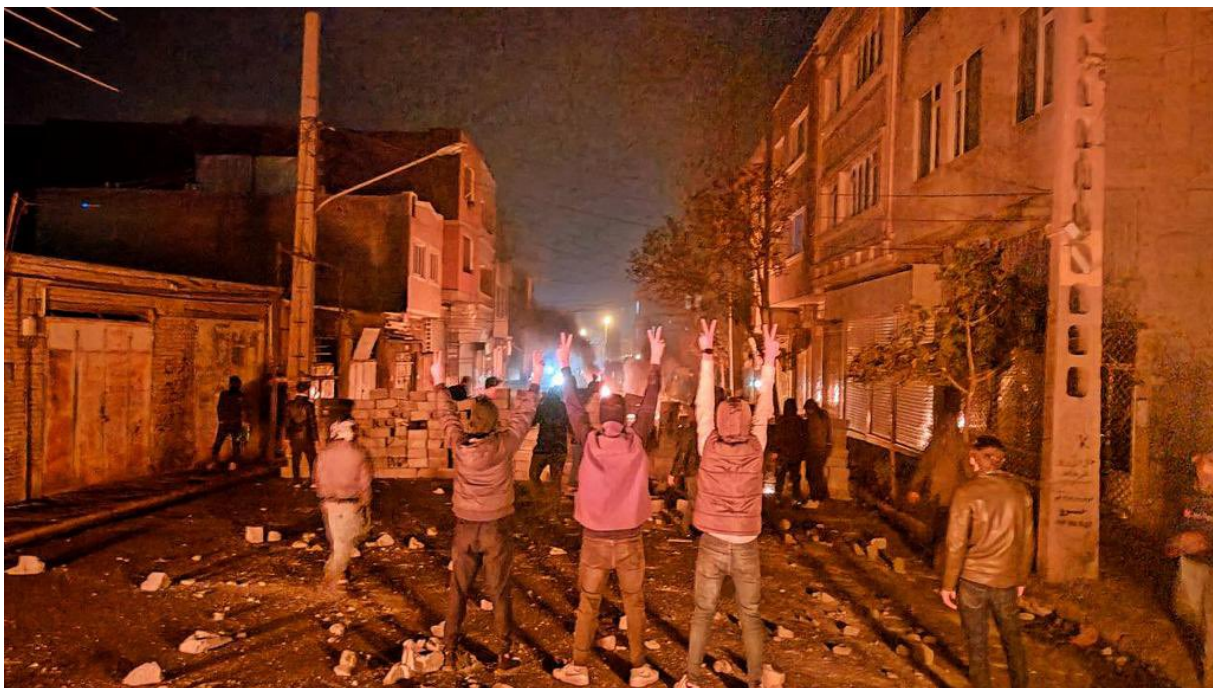
که استوری آموزش کثلت انتشار داده بود را بازداشت و محل کارش را پلمپ و اکاونت اینستاگرام این فرد را بست. خامنه ای ها خوب میدانند که آنروزها که حجاب اسلامی دستجمعی برگرفته شد و بوسعت در سراسر ایران به آتش کشیده شد، مقدمه به آتش کشیدن حوزه های جهلیه و کل ارکان نظام بود. نسل جدید انقلابی در ایران اسلام را همراه با خامنه ای و رژیمش به گور می سپارد. فی

الحال در ذهنیت و عمل روزمره اش این تعیین تکلیف را با موازین و فرهنگ اسلامی کرده است، تنها باید کار ناتمام را تمام کند.

رژیم اسلامی و دیکتاتوری های در حال احتضار ناچارند برای بقای خویش در مقابل امواج مبارزه انقلابی پس بنشینند، بعضاً ناراضیان حکومتی پرچمدار عقب نشینی میشوند، هم اکنون نیز تعداد زیادی در حکومت و حاشیه حکومت همین نقش را ایفا می کنند. این دو راهی های مرگبار حکومت در دوره انقلابی است که رفتن به هر سمت آن بهائی دارد و مجموعاً حکومت را در موقعیت شکننده تر قرار میدهد. نه تشدید سرکوب و اعدام قادر به کنترل اوضاع است و پاسخ میدهد و نه عقب نشینی و سازش با مردم میتواند نقطه تعادلی قابل اتکا ایجاد کند. این بن بست تنها با سرنگونی و سلب قدرت از حکومت شکسته خواهد شد.

سردبیر.

۱۶ دیماه ۱۴۰۱



مرگ بر جمهوری اسلامی!



انقلاب" با مجاهدت "بی بی سی" و دیگر رسانه ها و به ضرب کنفرانس "گوادالوپ" و سیاست "همه با همی ارتجاعی" حزب توده و چپ ضد امپریالیست و پوپولیست و همکاری جبهه ملی و.... تراژدی حکومت اسلامی ۴۴ ساله تحمیل نشد.

در نتیجه تکرار میکنم، کارگران، کمونیستها و

آزادخواهان از این اتفاق فقط با "تمسخر" عبور نکنید. از دی ماه ۹۶ تاکنون پیگیرانه گفته ایم، آلترناتیو چپ و کمونیستی را باید اساساً برای انداختن جمهوری اسلامی و در مقابل و در تمایز با آلترناتیو راست حدادی و آماده کنیم. جست و خیز راست ها لازمست عزم و اراده کارگران و ما کمونیستها و آزادخواهان و نیروهای چپ را برای سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و به دست گرفتن حکومت کارگری و شورایی هزاران بار افزایش دهد. بارها بر مبرمیت این موضوع تأکید کردیم و به گامهای عملی تر در این رابطه می پردازیم و بر سازماندهی اقدامات فوری اردوی کارگر و کمونیسم و چپ و آزادخواهی پافشاری میکنیم. این بار نوبت کارگر و کمونیسم در قامت رهبری جامعه است. این فرصت را دریابیم.

دوم ژانویه ۲۰۲۳

کارگران، کمونیستها، آزادخواهان

از این نمایش مضحک، فقط با تمسخر عبور نکنید!

رحمان حسین زاده

اپوزیسیون راست ایران نمایش بیمزه و مضحک دیگری را به مناسبت آغاز سال نو میلادی اجرا کرد. شش نفر از چهره های ناهمگون، از نماد سلطنت پوسیده و سرنگون شده، تا حقوقدان نوبلی، ژورنالیست سابق محببه ای و یواشکی و تدریجی کشف حجاب کرده، فوتبالیست شناخته شده، دو خانم هنرپیشه و از بقیه رنج دیده تر اسماعیلیون هضم شده در قطب راست، با سه چهار خط پیام توییتری، به زعم تلویزیون ایران انترنشنال و دیگر مدیای بورژوازی "ائتلاف اپوزیسیون" در حال شکل گیری است و "معضل رهبری" در حال پاسخ گیری است؟! این سناریو زیادی کمدی به نظر می رسد و به باور خیلی ها به ویژه در قطب چپ با تمسخر از آن باید عبور کرد. من بر این باور نیستم. چون شنیدیم در انتهای بسیاری از سناریوهای کمیک، تراژدی هم میتواند اتفاق بیفتد. مگر در اواسط سال ۵۷ سناریوی بیرون رانده شدن خمینی متحجر و کپک زده از نجف عراق و رهاشده در مرز کویت ابتدا کمدی به نظر نمی رسید؟! مگر با همین ترفندها و روشها و نشان دادن در نوفل لوشاتوی فرانسه و فوکوس کردن بر خمینی مظهر تحجر و جهالت و ضدیت با آزادخواهی و کمونیسم و معرفی اش به عنوان "رهبر

خیزش انقلابی ایران: چشم اندازها و نقش زنان و طبقه کارگر

جلسه علنی با حضور:



ایوب رحمانی: فعال کارگری
نسرین ابراهیمی: راه کارگر
صلاح مازوجی: حزب کمونیست ایران
مریم نمازی: فعال حقوق زنان
رحمان حسین زاده: حزب کمونیست

چهار ساعت بحث و گفت و گو

زمان: شنبه ۱۴ ژانویه ۲۰۲۳
ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۱۰ شب

ETHIOPIAN COMMUNITY CENTRE
2A LITHOS ROAD, LONDON, NW3 6EF

آدرس:

کمیته برگزاری سمینار «لندن»

سازندویج و غذای سبک در محل برگزاری جلسه موجود است.

سیاسی شعار "رضا شاه روحش شاد" سر میدهند تا شاید کمی از بی ربطی سلطنت به مبارزه برای امر آزادی در ایران را جبران کنند. اینها را با پرچم اوکراین و زلنسکی و متحدین جهانی شان تکمیل می کنند.

دانشجویان و کمیته های محلات فراخوان دهنده اعتراض برای ۱۸ دی، در محاسبات خرد شما شریک نیستند. آنها اینروز را بهانه ای برای ادامه تعرض انقلابی به جمهوری اسلامی تعیین کردند. شما اما دنبال موج سواری و بازاریابی برای متاع عهد بوقی خود هستید. کمی سیاسی باشید، مکنونات قلبی تان را روشن تر بیان کنید تا عده ای به شما متوهم نشوند و انتظارات بیجا از شماها طرح نکنند.

۴ ژانویه ۲۰۲۳
#مجیدرضا_رهنورد
#محسن_شکاری

در باره فراخوان های ۱۷ دی و ۱۸ دی

سوءاستفاده سیاسی موقوف

سیاوش دانشور

در تاریخ ۱۱ دیماه فراخوانی از جانب دانشجویان و تشکلهای محلات و پزشکان و خانواده ها برای اعتراض در یکشنبه ۱۸ دی، سالروز شلیک عمدی موشکی سپاه پاسداران به پرواز PS752 از خط هوایی اوکراین منتشر شد. جنایتی هولناک که طی آن ۱۷۶ انسان بی دفاع را به کثیف ترین شیوه قتل عام کردند. این فراخوان از جمله با حمایت شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست روبرو شد.

حامد اسماعیلیون نیز چند روز بعد از فراخوان داخل کشور، برای ۱۷ دی فراخوان داد که در این روز همه جا بر سر مزار قربانیان جمهوری اسلامی گل گذاشته شود. آیا انتخاب ۱۷ دی و یکرروز قبل از فراخوان ۱۸ دی اتفاقی است یا آگاهانه؟ ۱۷ دی ۱۳۱۴ روز فرمان کشف حجاب توسط رضا شاه است. و این وقتی بیشتر توی چشم میزند که تقریباً همزمان شاهد انتشار تونیت با متن مشترک در سال نو میلادی بودیم. بالماسکه ای که رسانه ها بعنوان "ائتلاف" برخی از "شخصیت های اپوزیسیون" از آن حرف زدند.

فراخوان ۱۷ دی بطور مشخص اما تلویحی اعتراض زنان انقلابی علیه حجاب و اسلام و جمهوری اسلامی را به "فرمان کشف حجاب" رضا شاه لینک میدهد و تونیت مشترک نمادهای بیزنمن خود را بعنوان "شخصیت های رهبری" زنان شورشی جلو صحنه میگذارد. این سیاست ناسیونالیسم ایرانی و اپوزیسیون راست در قبال انقلاب ایران و سوالات مهم آن از جمله مسئله برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد است. در مورد سیاست شان باید گفت ناسیونالیزه کردن و اسلامیزه کردن یک جنبش غیر ملی، غیر قومی، غیر مذهبی، برابری طلب و انقلابی با تاثیرات جهانی، کار ساده ای نیست اما هدف همه شماست. بعبارت دیگر، بورژوازی صورت مسئله انقلاب و تغییر محتوم را پذیرفته است و تلاش دارد آنرا در چهارچوبهای ارتجاعی خود هضم کند. ما میتوانیم مخالف یا موافق این سیاست باشیم، اما به هر حال این مسئله نه در صحن میدیا که در میدانهای نبرد تعیین تکلیف میشود.

تردیدى ندارم که قاطبه مردم شریف ایران و جهان از جنایت جمهوری اسلامی علیه مسافران بیخبر و بی دفاع و غیر نظامی منزجرند و با بازماندگان ابراز همدردی عمیق دارند. اما تبدیل این همبستگی انسانی و انقلابی به سرمایه سیاسی راست و یا تجلیل از جانباختگان در ۱۷ دی روز فرمان کشف حجاب رضا شاه، دیگر نه تصادفی بلکه سوءاستفاده سیاسی از نفرت مردم علیه جنایت جمهوری اسلامی است. مردم میگویند: "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، نشنیده اید؟ نسل جدید و زنان و مردان انقلابی علیه کل دستگاه مذهب و فقر و ستم پیاخاسته اند، حجاب و حوزة جهلیه آتش میزنند و اینها عکس آنسوان سوچی ها و چلبی ها را نشان شان میدهند و با شیوه هنری - ورزشی -



زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده

ای را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید!

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



شعارهایی مانند؛ «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر»، «فرزند کارگرانیم، کنارشان میمانیم»، «دانشجو، کارگر، اتحاد، اتحاد»، «سقف و کتاب و گندم، قدرت به دست مردم» و «نان کار آزادی، اداره شورایی». در خارج کشور همین شعار؛ «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه

رهبر» موجب به رعشه افتادن بدن اصحاب رسانه های بورژوازی مانند؛ ایران اینترنشنال و سلطنت طلبان بی فرهنگ شده است.

دانشگاه بعنوان فضایی که همواره چپ و کمونست در آن هژمون بوده و در خیزش انقلابی کنونی نیز به وضوح قابل مشاهده است، به سنگر آزادی و برابری در جهت مبارزه علیه هرگونه آلترناتیو سازی از بالای سر مردم بدل شده است. در دل فضای چپ جریانات راست سعی کردند شعار «مرد میهن آبادی» را وارد دانشگاه کنند ولی جواب قاطع مخالف دانشجویان را گرفتند. شعارهای نادرست که منشا نرینه سالارانه و ملی گرایانه، قوم پرستانه و مرتجعانه داشتند، توسط دانشجویان پیشرو و انقلابی در سطح وسیعی از دانشگاهها دفن شدند.

دانشجویان آزادی خواه، برابری طلب و سوسیالیست مطابق فراخوان شان ضروری است در تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۴۰۱ علیه جنایتهای حکومت از جمله جانباختگان آبان ۹۸، هواپیمای اوکراینی، خیزش انقلابی اخیر که در جریان است و چهار دهه کشتار و سرکوب بپاخاسته و ضمن خواست سرنگونی جمهوری اسلامی شعارهای خود را برای آزادی از هر نوع سلطه سرمایه داری و نظم مبتنی بر ستم و استثمار شوند. پیش بسوی یک ۱۸ دی ماه انقلابی!

۵ ژانویه ۲۰۲۳

۱۸ دی: حکومت آدمکش نمیخوایم!

سالگرد کشتار مسافرین هواپیمای اوکراینی

امیر عسگری

۱۸ دی سالروز کشتار مسافرین هواپیمای اوکراین است. دانشجویان و فعالین آزادیخواه قبل از هر جریان بورژوازی فراخوان مشترکی مبنی بر اعتراض و تحصن در بیشتر دانشگاهها در تاریخ ۱۸ دی ۱۴۰۱ را صادر کردند. دانشجویان که در خیزش انقلابی ۹۸ علیه این کشتار در دانشگاه پلی تکنیک تهران و سراسر کشور بپاخاستند و فریاد سرنگونی رژیم را سردادند، در دل خیزش انقلابی ۱۴۰۱ نیز بطور شفاف خواهان سرنگونی انقلابی حکومت هار اسلامی شدند.

در سالگرد کشتار مسافرین هواپیمای 752PS حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده های جانباختگان هواپیمای اوکراینی که به تازگی همراهی سیاسی خود را با رضا پهلوی با پخش توئیت مشترک همراه با علی کریمی، مسیح علینژاد، نازنین بنیادی و گلشیفته فراهانی در مناسبت سال نو عیان کرد نیز فراخوانی به اعتراض برای ۱۷ و ۱۸ دیماه ۱۴۰۱ انتشار داده است.

در فاجعه کشتار مسافرین هواپیمای اوکراینی باید به جمهوری اسلامی بعنوان بانی و عامل جنایت اعتراض شود. اما مسئله مهم در این وسط اینست که اجازه نداد راست ها از اعتراض دانشجویان سوءاستفاده سیاسی کنند و این نیازمند حضور مستقل و قوی است. در این روز باید جمهوری اسلامی را بعنوان جنایتکار مورد هدف قرار داد و تمایز سیاست خود را با نیروهای راست و موج سواران ترسیم کرد. دانشجویان در طول چهار ماه خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ شعارها و مواضعی را مطرح کردند که از هژمونی سوسیالیست ها و رادیکالها در اعتراضات خبر میدهد.

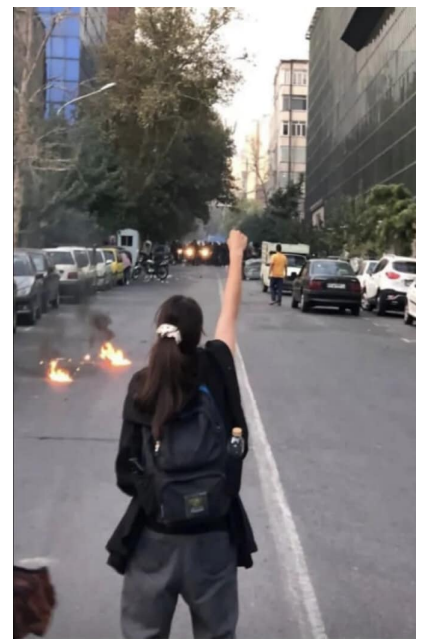
تشکل های دانشجویی و جوانان انقلابی محلات فراخوانی برای تظاهرات، اعتراض و اعتصاب در روز یکشنبه ۱۸ دی ماه، سومین سالروز شلیک عامدانه جمهوری اسلامی به هواپیمای مسافربری اوکراینی داده اند!

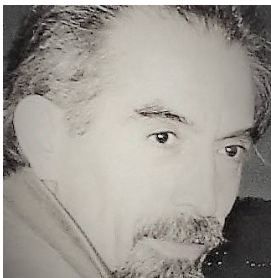
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونست

با فراخوان ۱۸ دی ماه برای اعتراض، اعتصاب و تظاهرات همراه شویم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونست ضمن حمایت از این فراخوان، از همه انسان های آزادیخواه انتظار دارد، در سالگرد این جنایت ضد انسانی، تداوم خیزش انقلابی و اعتراض به تمامی جنایتهای انجام گرفته اخیر، همراهی و همبستگی خود را به هر شکل ممکن نشان دهند!

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**





منطقه بالکان یک محل تلاقی و تضاد منافع کشورهای اروپا و روسیه و آمریکا است: تکه تکه پاره کردن یوگسلاوی، بمباران بلغراد توسط ناتو، جنگها و پاکسازیهای قومی که منتها "خبر" رسانه ها بود، داستان محاکمه میلوسویچ در لاهه، تداوم جنگ آمریکا و روسیه جدید در کشورهای بجا مانده از بلوک شرق سابق در قالب انقلابات مخملی، و حالا

"استقلال" کوزوو در ادامه این روند. "استقلال" البته بی ربط ترین واژه ای است که میتوان به این ماجرا اطلاق کرد. حمایت آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا، استقرار نیروی نظامی کافی برای برگزاری جلسه پارلمان و رای به این موضوع، مخالفت روسیه و صربستان و اعلام نگرانی چین، عدم شرکت ۱۰۰ نماینده صرب" در رای بر سر "استقلال" و حمله ناسیونالیستهای صرب به سفارت آمریکا، از جمله بیانگر این است که این روند تا چه حد "مستقل" بوده است. روشن است برای ما بعنوان کمونیست مسئله این نیست که کوزوو جزو صربستان بماند یا جدا شود. نه "تمامیت ارضی" صربستان برای ما ذره ای اهمیت دارد و نه کشور شدن کوزوو. این مردم زمانی در یوگسلاوی کنار هم زندگی میکردند، هیچ کینه قابل مشاهده و غیر قابل حلی از همدیگر نداشتند، ناگهان بیدارشان کردند که "صرب" و "کرووات" و "اقلیتهای مختلف" هستند. سران قومی و قبیله ای و ملی برایشان تراشیدند. در واقع تناقض منافع کشورهای درگیر در بالکان موجب این نیروهای سیاه و امثال "ارتش آزادیبخش کوزوو" شد. "استقلال" امروز مهر این روند را بر خود دارد و پیش درآمد جنگهای فرداست. دو روز طول نکشید که ناسیونالیستهای صرب به مناطق مرزی یورش بردند و آنها را به آتش کشیدند. "استقلال" کوزوو با اعمال فشار و در متن رقابتهای جهانی صورت گرفت. مخالفتها هم اساسا همین را منعکس میکنند. در این میان مردم این منطقه کماکان قربانی اند. اگر با "استقلال" کوزوو دورنمای یک زندگی خوشبخت و آزاد و مرفه برای مردم در این منطقه قابل پیش بینی بود، اگر مردم کوزوو با مستقل شدن به چهارچوب سیاسی و مناسبات اجتماعی پیشرفته تر و آزادتری وارد میشدند، بطور قطع کمونیستها از آن استقبال میکردند. "استقلال" امروز کوزوو اما چنین نیست. این پروژه بر متن یک تاریخ خونین پیاده شده و چشم انداز تداوم نفرت ملی و قومی و مذهبی را در مقابل هر ناظر واقع بینی میگذارد.

وقتی دقیق میشوید میبینید تاچه حد دنیای ملت سازی مسخره و مبتنی بر کلاهبرداری سیاسی است. دیروز صربها "اکثریت" بودند و مردم کوزوو "اقلیت"، امروز بعد از ماجرای "استقلال" مردم کوزوو "اکثریت" اند و مردم موسوم به صرب در کشور جدید "اقلیت"! همه میدانند تاریخ جنگهای یوگسلاوی سابق مبتنی بر قتل و جنایت جمعی گروهها و سران خودگمارده قومی و مذهبی است. همه میدانند این خطر هست که اگر دو همسایه سر یک وجب زمین یا یک موضوع بی اهمیت در گوشه ای مشکلی برایشان پیش آمد، با وجود کینه های ایجاد شده میتواند منشا یک واقعه بزرگ و جنایتهای هولناک شود. همه میدانند در مملکتی که هویت قومی دارد مردمی که در آن "قوم برتر" نیستند همواره جانشان در خطر است. به این دلایل واقعی هاشم تاجی، نخست وزیر

کوزوو،

خطر جنگ قومی بر سر پلاک ماشین

سیاوش دانشور

روزهای آخر سال تنش میان کوزوو و صربستان بالا گرفت و برخی خطوط مواصلاتی مسدود شد. داستان اینست که دولت کوزوو در سال ۲۰۲۲ از "اقلیت" پنجاه هزار نفری صرب در شمال کوزوو خواسته بود تا پلاک های خودروهای خود که قدیمی و صادره از صربستان است را تعویض کنند. اما این "اقلیت" صرب تبار در شمال کوزوو قائل به حق حاکمیت پریشینیا (پایتخت کوزوو) نیستند و خود را بخشی از صربستان می دانند. زنان چند روز در شهرهای شمالی کوزوو دست به اعتراض زدند و تنها طی یک ماه گذشته، حدود ۶۰۰ افسر پلیس از "اقلیت" صرب تبار به نشانه اعتراض به الزام تعویض پلاک خودروها، از کار خود کناره گیری کردند. این اعتراض به همراهی قضات، دادستانها و سایر کارکنان دولتی گسترش یافت. با گسترش تنش، کوزوو روز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۲ بزرگترین گذرگاه مرزی خود با صربستان را بطور کامل بست. آمریکا، اروپا، روسیه و سازمان ملل وارد موضوع شدند و هر کدام بنا به سیاست شان در بالکان جانب کوزوو یا صربستان را می گیرند و ابراز نگرانی می کنند.

بمباران بلغراد، پاشاندن یوگسلاوی و سازماندهی جنگ همسایه با همسایه، این کشور را به آزمایشگاه طرح فدرالیسم قومی تبدیل کرد. کوزوووی تازه "ملت" شده ماشین با پلاک صربستان را تحمل نمی کند و صرب تازه "اقلیت" شده در شمال کوزوو این حاکمیت را برسمیت نمی شناسد. فدرالیسم همین است؛ استخوان لای زخم و چهارچوبی برای تنش و کشمکش ابدی قومی، اشاعه نفرت قومی و ملی و مذهبی، نسخه ای برای جنگ داخلی و سلب برابری و همزیستی انسانها با هم. خوشبختانه در تحولات انقلابی ایران نگرش واپسگرایانه فدرالیسم بنفع برابری و همبستگی سراسری عقب رانده شده است. با اینحال باید با حساسیت و مسئولیت سیاسی بالا به بحث فدرالیسم و مخاطرات آن برخورد کرد.

یادداشت زیر بعد از اعلام "استقلال کوزوو" بعنوان آخرین پرده جنگ بالکان نوشته شده است.

"ملتی" دیگر درست شد!

در حاشیه "استقلال" کوزوو

مهمترین خبر رسانه ها در روز یکشنبه گذشته اعلام استقلال کوزوو از صربستان بود که طی یک رای گیری فرمایشی در پارلمان این کشور به اتفاق آرا اعلام شد.

ضد کارگری است که عواقب ناگوار آن بر اتحاد طبقه کارگر در بالکان و اروپا تأثیرات منفی و مخرب باقی خواهد گذاشت.

فوریه ۲۰۰۸

"ملتی" دیگر درست شد!

در حاشیه "استقلال" کوزوو...

کوزوو، مجبور است قسم بخورد که دولت جدید کوزوو به "حقوق اقلیت های قومی" احترام میگذارد! در دنیای توحش آپارتاید قومی، تنها ضامن اجرای دموکراسی قبیله ای همین تعهدات پوچ است.

یک مسئله مضحک دیگر "پرچم ملی" کوزوو است که روز یکشنبه کنار پرچمهای آمریکا، در پریشینا پایتخت کوزوو، توسط مردمی مسخ شده رقصانده میشد. پرچمی که منبع نشانگر "هویت ملی" و دوستی و دشمنی این مردم با بقیه خواهد بود. تکه پارچه ای که تا چند هفته قبل وجود خارجی نداشت و ناگهان "هویت" مردم شد! رسانه ها پا را فراتر نهادند و به بیمارستانها رفتند. دوربین ها روی نوزادانی متمرکز شد که بعد از این رای پارلمان دنیا آمدند. آنها برخلاف برادران و خواهران و پدران و مادرانشان دارای "ملیت کوزوویی اورژینال" هستند! واقعا عجب دنیای وارونه ای است! نوزاد بیچاره و بیخبر از دنیا تا از شکم مادر بیرون می آید مهر یک ملیت و مذهب و ارتجاع بر پیشانی اش حک میشود، بدنیا می آید و برشانه های کوچکش یک تاریخ جنایت پیشینیان گذاشته میشود، در جاهائی مقروض دنیا می آید، با الفاظ همان تاریخ برایش لائنی میخوانند، ارزشها و ضد ارزشها و تعصباتش را شکل میدهند، همینطور از او یک جانی، یک کارادید و یک آرکان و میلو سوپچ بالقوه میسازند! بله همینطور! ناسیونالیسم و هویت ملی به همین پوکی و به همین شناعت است. اعلام "استقلال" یک نقطه عطف این روند است! شاید در میان این گرد و خاک و تبلیغات ضد بشری و خلسه مذهبی ملی گرایی، که ویترین نمایش رقابتهای جهانی و منطقه ای است و پوچی "استقلال" را برملا میکند، مدافعین حقوق کودک باید از حقوق و بیگانهای این کودکان دفاع کنند.

و بالاخره "ملتی" دیگر درست شد، و همراه آن موجی از نفرت قومی و شاخ و شانه کشیدن قومی ابراز وجود کرد. درست مانند کشورها و "ملت" های دیگر که بعد از پایان جنگ سرد سرهم شدند. آیا سیم خاردار کشیدن بین مردم و دیوار آپارتاید قومی بالا بردن و جدا کردن آنها از همدیگر، درسی برای مردم ایران و مناطق بحرانی جهان خواهد شد؟ آیا عوامفریبی و جنایاتی که این کشور سازبها و "ملت" سازبها به آن متکی است، تلنگری به ذهنیت شکل گرفته پیرامون هویت کاذب ملی خواهد زد؟ یا نه، "استقلال" کوزوو امیدی را در دل فدرالیستها و منتظرین در اتاق انتظار "ملت" شدن زنده خواهد کرد؟ تردیدی نیست برای ناسیونالیستهای دواآتسه که لایه هر کدام سابقه جنایتی دارند "استقلال" کوزوو یک پیروزی است. اما این سیرک "ملت" سازی برای طبقه کارگر این کشور جدید پشیزی ارزش ندارد. دیروز کارگران توسط بورژواها استثمار میشدند و قربانی جنگ آنها بودند، امروز نیز کمابیش در به همان پاشنه میگردد. برای طبقه کارگر و کمونیسیم، این ماجرا حلقه ای از یک روند تماما ارتجاعی و

در سالگرد جنایت بزرگ شلیک به پرواز ۷۵۲ و گشتار مسافران توسط رژیم اسلامی

و در حمایت از انقلاب مردم برای به زیر کشیدن این رژیم آدم کش به خیابان می آییم.

Sunday 8th Jan, Time :12noon

Starting point : Marble Arch (outside Speakers Corner)

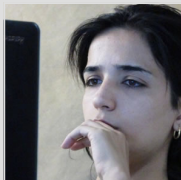
Postcode: W1H 7EL

همبستگی با مبارزات مردم ایران

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر کارگران است!

در اعتراضات کارگری به مجمع عمومی
متکی شوید! مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به
هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!



لیلا حسین زاده با مریضی که طبق
نظر پزشک نباید در زندان باشد،
تحت فشار و آزار است. لیلا حسین

زاده بی قید و شرط آزاد باید گردد!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر



اجتماعات اعتراضی در شهرهای بلوچستان

امروز جمعه ۱۶ دیماه زنان و مردان معترض در زاهدان و دیگر شهرهای بلوچستان مجدداً به خیابان آمدند. در زاهدان جمعیت بزرگ از جمله شعارهای: «حکومت کودک کش نمیخواهیم، نمیخواهیم»، «نه کولبری، نه سوختبری، فقط آزادی و برابری»، «ما را با ربه شدن جوانانمان تهدید نکنید»، «نه سلطنت نه رهبری، دموکراسی و برابری»، «مرگ بر استاندار داعشی»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، «نه به اعدام»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «مرگ بر جمهوری اعدامی»، «آزادی آزادی» و «زن زندگی آزادی» را سردادند.

بازداشتهای گسترده جوانان و کودکان در بلوچستان

بنا به اخبار منتشر شده در زاهدان طی روزهای هفته جاری ۱۱۳ نفر از جمله نوجوانان و کودکان زیر ۱۸ سال توسط نیروهای حکومتی بازداشت شدند که هویت ۵۵ تن از این افراد احراز شده است:

- ۱- بنیامین کوهکن ۱۶ ساله فرزند حمیدرضا، ۲- محمد گرگیج ۱۸ ساله، ۳- اسحاق ریگی ۲۳ فرزند محمد ۴- محمد براهویی از منطقه کشاورز ۵- علی براهویی از منطقه کشاورز ۶- الیاس ریگی پورکریمی (براهویی) فرزند عبدالخالق ۷- نعمت الله سرگلزاهی ۸- احسان سرگلزاهی ۹- کریم کشانی ۱۰- سعید (فامیل نامشخص) ۱۱- یاسین ارباب ۱۸ ساله ۱۲- بلال (یاسر) توتازهی ۱۷ ساله ۱۳- احسان ایدون ۱۴ ساله ۱۴- الیاس کوهکن ۱۹ ساله فرزند حمید رضا ۱۵- منصور سارانی منطقه کوثر ۱۶- احسان رخشانی ۱۷ ساله فرزند عبدالقادر محل بازداشت خیابان کوثر ۱۷- مهدی نارویی ۲۰ ساله ۱۸- عارف (فامیل نامشخص) ۱۹- علی اکبر کبدانی ۱۹ ساله فرزند لعل محمد (منطقه کوثر) ۲۰- عزیز شه بخش فرزند مهیم ۲۱- عبدالخالق شه بخش ۲۲- فرشید قنبرزهی گرگیج فرزند رضا ۲۱ ساله ۲۳- علی دهمرده ۲۴- رضا صفرزاده ۱۸ ساله منطقه شیرآباد ۲۵- روزبه براهویی فرزند قدوس ۱۶ ساله ساکن منطقه کوثر زاهدان ۲۶- شهاب شهنوازی ۲۴ ساله ۲۷- ایوب ریگی ساکن کوثر ۲۸- ایرج سالارزهی ۲۰ ساله ساکن خیابان مزاری ۲۹- محمد عاصف خارکوهی ۳۰- مجید خارکوهی ۳۱- مراد خارکوهی ۳۲- محمد خارکوهی ۳۳- جبار خارکوهی ۳۴- ابراهیم خارکوهی ۳۵- اسماعیل خارکوهی ۳۶- غفور دهمرده ۳۷- کامبیز ریگی ۲۵ ساله ۳۸- شهریار حسن زهی ۳۹- عادل محمد زهی ۱۸ ساله فرزند کریم ۴۰- شکور ریگی ۴۱- حنظله جمالزایی (شیرآباد) ۴۲- عمر کبدانی ۱۴ ساله منطقه کوثر (برادر نعمت الله کبدانی از کشته شدگان جمعه خونین زاهدان) ۴۳- علی اکبر یاسبان براهویی فرزند لال محمد ۴۴- طاها نارویی ۱۷ ساله ۴۵- ابوبکر شهنوازی فرزند نعمت الله ۱۸ ساله (منطقه کشاورز) ۴۶-

شعیب قنبرزهی ۲۲ ساله فرزند محمد شفیع ۴۷- صالح قنبرزهی ۲۳ ساله فرزند پرویز (منطقه شیرآباد) ۴۸- امرالله (با فامیل نامشخص) ۴۹- عبدالمنان (با فامیل نامشخص) ۵۰- مهرالله ریگی مقدم ۳۰ ساله فرزند حمیدالله ۵۱- الیاس (با فامیل نامشخص) ۵۲- مصطفی رئیسی ۵۳- محمد رضا ریگی ۵۴- معراج نارویی (منطقه مشترک) ۵۵- عمر رخشانی ۱۵ ساله.

کارگران رسمی پالایشگاههای نفت دست به تجمع اعتراضی زدند

روز شنبه ۱۰ دیماه ۱۴۰۱، کارگران رسمی شاغل در پالایشگاه نفت آبادان، پالایشگاه اراک، شرکت نفتی آذر مهران واقع در استان ایلام، در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً و مطابق فراخوان از پیش اعلام شده مقابل ساختمان مرکزی شرکت پالایش نفت آبادان دست به تجمع زدند. مطابق این فراخوان اعتصاب، قرار است که همزمان با برگزاری تجمعاتی، پرسنل بهره‌برداری هیچگونه درخواست کار تعمیراتی صادر نکنند، همکاران تعمیراتی هیچگونه کار تعمیراتی انجام ندهند، نیروهای ایمنی هیچگونه مجوز پرمیتی صادر نکنند و واحدهای ستادی تنها به اعمالی که مستقیماً به پرسنل مربوط است بپردازند.

تظاهرات مجدد مردم زاهدان

روز جمعه ۹ دیماه ۱۴۰۱ مردم معترض زاهدان مطابق اعتراضات مداوم روزهای جمعه، مجدداً در خیابان‌ها دست به تظاهرات زدند. همچنین جمعه ۹ دیماه، سه نوجوان به نام‌های «بسم الله براهویی» ۱۷ ساله، «اسماعیل سرگلزایی» و «ابراهیم سرگلزایی» دو برادر نوقلوی ۱۶ ساله دستگیر شدند. آنان ساکن شیرآباد زاهدان هستند و در حالی که از نماز جمعه به سمت منازل خود می‌رفتند در ورودی شیرآباد توسط نیروهای لباس شخصی با یک خودروی سمن سفید ربه شده شدند. از اتهامات، محل نگهداری و وضعیت آنان اطلاعی در دسترس نیست. نیروهای سرکوبگر امنیتی منازل کپری مردم فقیر را در حاشیه شهر چابهار تخریب کردند و به آتش کشیدند. با سلاح سرد همچون تیر و چاقو مردم را مورد ضرب و جرح قرار دادند و مردم را بی سرپناه کردند.

حضور گسترده مردم جوانرود در مراسم جانباختگان

مردم معترض جوانرود پس از ممانعت نیروهای سرکوبگر امنیتی برای برگزاری چهلم جانباختگان، اعتراضات خود را به سطح خیابان‌های شهر کشاندند و در مقابل نیروهای امنیتی دست به اعتراض و مقاومت زده‌اند. نیروهای سرکوبگر امنیتی در جوانرود به سوی مردم معترض تیراندازی کرده و خبرها حاکی از کشته و مجروح شدن جوانان معترض، همچنین زخمی شدن یک کودک ۱۴ ساله، بر اثر شلیک گلوله جنگی توسط نیروهای سرکوبگر است. یکی از جوانان معترض شهر جوانرود با نام برهان الیاسی بر اثر شلیک نیروهای سرکوبگر امنیتی در

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

جریان مراسم چهلم جانبختگان این شهر جانبخت.

اعتراضات شبانه در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارد

اعتراضات شبانه بطور گسترده در محلات شهرها بطور گسترده ادامه دارد، گزارشات منتشر شده نشان میدهد در چندین محله تهران، کردج، قزوین، همدان، ایلام، کرمانشاه، جوانرود، سنندج، مهاباد، تبریز، اصفهان شیراز، آبادان، ایذه، رشت، مشهد و چندین شهر دیگر با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر جمهور اسلامی، بیکاری گرونی میریم تا سرنگونی، امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه و نه شاه میخوایم نه رهبر مرگ بر ستمگر سر داده شد و در بعضی از شهرها جوانان دست اعتراضات خیابانی زدند. دانشگاه ها همچنان صحنه اعتراضات دانشجویان بود. برگزاری مراسمهای یاد جانبختگان صحنه های دیگر از ادامه خیزش انقلابی در سراسر ایران بود.

تیراندازی نیروهای امنیتی به کودکان؛ زخمی شدن آرمان محدی

آرمان محدی، کودک ۱۶ ساله، در جریان اعتراضات مردمی شهر جوانرود، زخمی شده و در بیمارستان تحت مداوا می باشد. این در حالی است که دستکم ۱۰ شهروند در اثر تیراندازی با گلوله‌های ساچمه‌ای و جنگی نیروهای ایگانی ویژه و سپاه پاسداران زخمی شده‌اند.

بازداشت زانا صحراگرد نوجوان دانش‌آموز در جوانرود

زانا صحراگرد دانش آموز ۱۵ ساله در پی یورش نیروهای نظامی-امنیتی حکومت در جوانرود بازداشت شده است. گفته می‌شود مأموران به زور اسلحه به منزل عمویش وارد شدند و او را دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل کرده اند.

مراسم نمادین خاکسپاری محموداحمدی

برپای مراسم نمادین خاکسپاری لباس‌های محموداحمدی، سرباز وظیفه ۲۱ ساله که در یورش سرکویگران به ایذه کشته شد. این مراسم در شرایطی برگزار شد که حکومت حاضر به تحویل پیکر محمود احمدی به خانواده او نشده است.

حرکت اعتراضی معلمان شهرستان سقز

روز ۸ دی ماه ۱۴۰۱، تعداد زیادی از معلمان شهرستان سقز، در راستای پیگیری حذف رتبه‌بندی از احکام فعالین صنفی شهر سقز، در اقدامی قابل توجه با نوشتن نامه‌ای، نارضایتی خود را از این رفتار زننده ابراز نمودند. معلمان میگویند این اقدام علیه قانون موجود است. این نامه‌ی اعتراضی در سالن اداره آموزش و پرورش شهرستان سقز، توسط همکاران قرائت و تمام معلمان حاضر در اعتراض به این مسئله نامه را امضا کردند. در ادامه پس از جمع آوری تعداد بسیار زیادی از امضای همکاران، نامه مذکور برای جلب حمایت همکاران اداری به

سایر واحدهای اداره شد تا این همکاران نیز در این اعتراض برحق فرهنگیان سهیم باشند. همکاران بخش اداری آموزش و پرورش شهرستان سقز نیز کاملاً همدلانه پایه‌های دیگر همکاران انزجار و نارضایتی خود را از چنین رفتارهایی ابراز کردند.

"علی اکبر خوش کنار" در معرض خطر صدور احکام سنگین

یک شهروند بازداشتی زاهدانی با هویت علی‌اکبرخوش‌کنار که توسط نیروهای نظامی بازداشت و پس از گذشت ۹۲ روز در زندان نگهداری می‌شود، در معرض خطر صدور احکام سنگین قرار دارد. با پیگیری خانواده و نزدیکان آقای خوش کنار، آنها متوجه شدند که قاضی پرونده وی در حال پرونده سازی علیه وی است. نیروهای نظامی و قضایی چابهار اتهامات این شهروند بازداشتی بلوچ را «آتش زدن بانک ملی چابهار، حمله به فرمانداری، ایجاد راهبندان در سطح شهر و لیدری اعتراضات» عنوان کردند. آقای خوش کنار چند سال پیش پدر خود را از دست داده و از سوی دادگاه به مادر وی اعلام شده تا در ازای تحریب اموال عمومی باید ۳۰۰ میلیون تومان پرداخت کند. علی اکبر خوش کنار در تاریخ ۵ مهرماه ۱۴۰۱، توسط نیروهای نظامی در یکی از خیابان های چابهار بازداشت و در تاریخ ۸ مهرماه به زندان مرکزی زاهدان منتقل شده است.

اعتصاب غذای آرمیتا عباسی



اعتصاب غذای زنجیره‌ای در زندان‌های کرج

پانزده زن زندانی در اعتصاب غذای خشک

مادر آرمیتا عباسی، معترض ۲۰ ساله که در زندان کجویی کرج در بازداشت است با انتشار متنی از اعتصاب غذای خشک دخترش به همراه همپندی‌هایش خبر داد. او در این متن که خطاب به رئیس دادگستری البرز، دادگاه انقلاب کرج، بازپرس و قاضی دادگاه، نوشت: «آمدم نبودید، پرسیدم، جواب واضح ندادید، وکیل اختیار کردیم نپذیرفتید. با رسانه‌های طرف صحبت نشدم که مبادا بگویند به قوانین تعرض کردم. امروز بعد از ۸۲ روز تصمیم گرفتم تقاضایم را اینجا بیان کنم شاید به دستتان برسد. امروز آرمیتا عباسی تک

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

به همین خاطر از دیروز سه‌شنبه در زندان دست به اعتصاب غذا زده است.

مهدی بهمن، نویسنده و نگارگر به اعدام محکوم شد

مهدی بهمن، نویسنده و نگارگر به اعدام محکوم شد. وی در تاریخ ۲۱ مهرماه، توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. بنابر اخبار منتشرشده، جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات آقای بهمن، حدود یک هفته پیش برگزار و طی مدت زمان کوتاهی حکم اعدام صادر و به او ابلاغ شد؛ این در حالیست که مهدی از دسترسی به وکیل نیز محروم است.

مهدی محمدی فرد، معترض ۱۸ ساله به دوبار اعدام محکوم شد

مهدی محمدی فرد، شهروند ۱۸ ساله بازداشت شده در جریان اعتراضات سراسری در نوشهر، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب ساری از بابت اتهامات «افساد فی الارض» و «محرابه» به دوبار اعدام محکوم شد. بر اساس حکمی که اخیراً توسط شعبه اول دادگاه انقلاب ساری صادر و به وی ابلاغ شده، آقای محمدی فرد از بابت اتهامات «افساد فی الارض» و «محرابه» به دوبار اعدام محکوم شده است. افزون بر این، مهدی محمدی فرد، از بابت اتهاماتی دیگر از قبیل «تبلیغ علیه نظام» به شش ماه حبس، از بابت اتهام «اغوا تحریک مردم به قصد بر هم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر» به دو سال حبس، به اتهام «توهین به رهبری» به تحمل یک سال حبس، از بابت اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخل کشور به چهار سال حبس، مجموعاً ۷ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

قوه قضائیه؛ حکم اعدام محمد بروغنی در دیوان عالی کشور تایید شد

خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه از تایید حکم اعدام محمد بروغنی، از بازداشت شدگان اعتراضات اخیر، در دیوان عالی کشور خبر داد. میزان در گزارش ضمن تکذیب برخی گزارشات مبنی بر نقض حکم اعدام این شهروند، اعلام کرد: «بر اساس دادنامه صادر شده از سوی دادگاه انقلاب تهران، متهم محمد بروغنی که با کشیدن سلاح سرد و حمله مسلحانه از طریق جرح عمدی با چاقو به یکی از ماموران حافظ امنیت به قصد جان وی، ایجاد رعب و وحشت برای شهروندان و ناامنی در محیط و به آتش کشیدن فرمانداری شهرستان پاکدشت و تخریب اموال آن به اتهام محاربه محاکمه شده بود با حکم دادگاه به اعدام محکوم شد و این حکم در تاریخ ۱۵ آذرماه توسط دیوان عالی کشور نیز تایید گردید». محمد بروغنی پیشتر از بابت اتهام «محرابه، درگیری با ماموران و به آتش کشیدن فرمانداری پاکدشت» توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی به اعدام محکوم شده بود.

احضار پنج کارگر بازنشسته به دادگاه اهواز

بهرام گرگان، محمد برون، فرهاد رهداری، جهان‌شاه اسدنبی و حسین اکبری از کارگران بازنشسته به اتهام «اجتماع و تبانی و اقدام علیه امنیت ملی از طریق مشارکت در تجمعات بازنشستگان اهواز» به دادگاه احضار شدند. این پنج فعال کارگری تاریخ ۲۱ دی‌ماه

فرزند من که طبق نظرات حضرات اطلاعات با عناوین دروغین در زندان کجویی کرج زندانی است به علت عدم رسیدگی به پرونده‌اش و طولانی شدن دوره زندانش، دست به اعتصاب غذای خشک زده است. آن جنابان بازجو که چه دیدند و چگونه نوشتند را به خدای احد و واحد واگذار کردم اما صحبت من با شما مسئولین امر است که بنا را می‌گذاریم به مجرم بودن تا خلافتش ثابت شود. او با درخواست رسیدگی به پرونده دخترش نوشت: «این اعتصاب که توسط آرمیتا و سایر هم‌بندانش است اصلاً به نفع هیچکس نیست.»

اعتصاب غذای خشک الهام مدرسی

الهام مدرسی، زن ۳۲ ساله محبوس در زندان کجویی از دیروز دوشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۱ دست به اعتصاب غذای خشک زده است. با توجه به ابتلای او به بیماری کبدی، جاننش شدیداً در خطر است. او خواستار اعزام فوری به بیمارستان و بستری شدن بوده و نسبت به طولانی‌شدن بازداشت خود بدون هیچ مدرکی برای اثبات اتهامات واهی، معترض است. الهام مدرسی صبح روز چهارشنبه ۱۱ آبان ماه در منزل شخصی خود در فردیس کرج، توسط مأمورین بازداشت و به زندان کجویی کرج منتقل شد و در این مدت تحت فشار روحی شدید برای اخذ اعترافات اجباری بوده و آزار و صدمه بسیاری دیده است. الهام مدرسی از دسترسی به پزشک متخصص نیز محروم بوده و بیماری او در طی بازداشت با توجه به شرایط نامناسب بازداشت و شکنجه و فشار روحی شدت یافته است.

اعتصاب غذای خشک حمیده زراعی

حمیده زراعی به همراه دیگر هم‌بندیهایش از جمله آرمیتا عباسی و الهام مدرسی در زندان کجویی دست به اعتصاب غذای خشک زده است. دلیل این اعتصاب غذا عدم رسیدگی به پرونده‌ها و بازداشت طولانی مدت آنان است. این زنان زندانی اعلام کرده‌اند که به اعتصاب خود ادامه می‌دهند تا زمانی که دادستان به خواسته هایشان رسیدگی کند و وثیقه همگی شان برای آزادی از زندان پذیرفته شود. لازم به ذکر است که ۶۱ روز از زندانی شدن حمیده زراعی می‌گذرد. از دیگر همراهان آرمیتا، فاطمه نظری‌نژاد، فاطمه مصلح‌حیدرزاده، نیلوفرشاکری، مرضیه میرقاسمی، شهرزاد درخشان، فاطمه جمال‌پور، نیلوفر کردونی، سمیه معصومی، فاطمه حربی، انیسه موسوی، ژاسمین حاج‌میرزاجدی و مانده سهرابی از جمله اعتصاب‌کنندگان هستند.

اعتصاب غذای محمد فیضی در زندان قزل‌حصار کرج

محمد فیضی متولد ۱۳۷۴ در روز ۲۲ مهر در طول سفر به شمال کشور دستگیر شد و بعد از گذشت چهار روز وی را به زندان قزل‌حصار کرج منتقل کردند. بعد از سه ماه وی با اتهام «افساد فی‌الارض» مواجه شده و

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی ...

۱۴۰۱ در شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز محاکمه خواهند شوند. لازم به ذکر است که این پنج فعال کارگری بازنشسته در ۲۴ تیرماه ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مدت یکماه تحت بازجویی قرار داشتند.

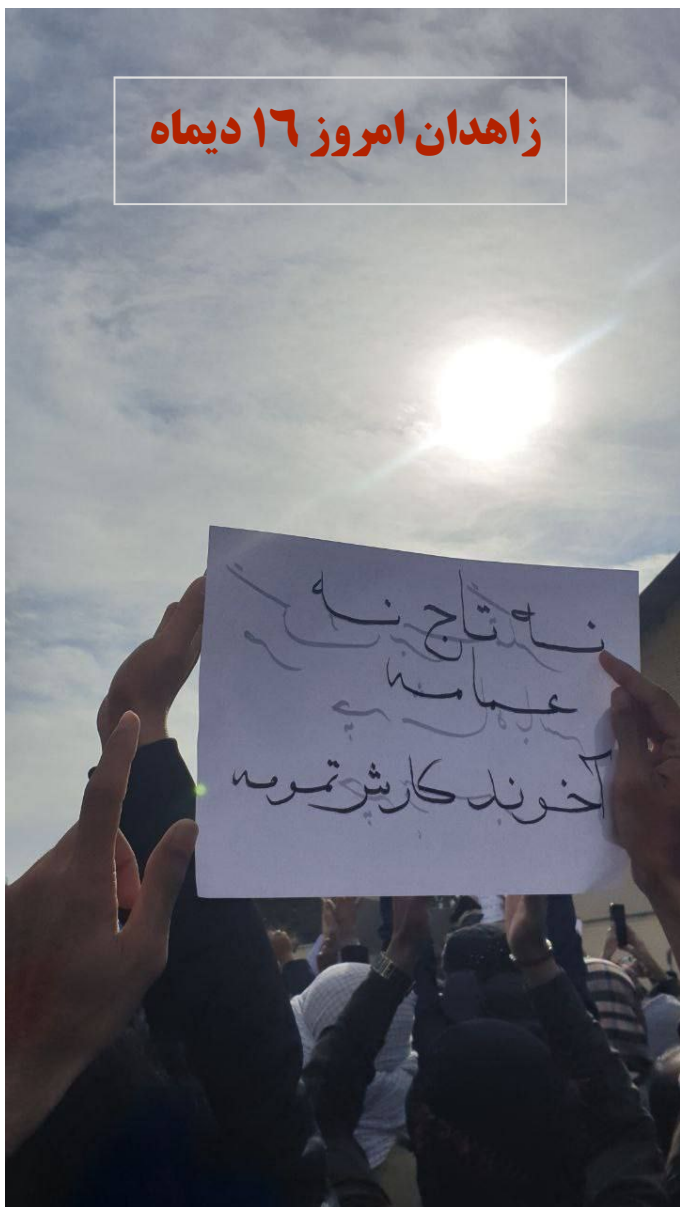
تداوم اعتصاب دارو لیلا حسینزاده در زندان

حال جسمانی لیلا حسینزاده بعد از ۹ روز اعتصاب دارو رو به وخامت گذاشته است. لیلا حسینزاده از ۲۹ آذر در اعتراض به «فریبکاری پزشکی» در روند بررسی درمانش در زندان و دریافت نکردن داروی مناسب اعتصاب دارو کرده است. او در یک پیام صوتی از زندان عادلآباد شیراز گفته بود که یک قتل حکومتی خاموش علیه او در جریان است. به گفته برادرش به دنبال ۹ روز اعتصاب دارو «درد چشمهای او شدید شده، التهابات و بثورات پوستی که یکی از عوارض بیماری او است به شدت زیاد شده و حتی کف پاهایش درگیر جوشها و التهابات پوستی شده که راه رفتن را برایش مشکل کرده است. برادر لیلا حسینزاده مسئولان قضایی و زندان عادلآباد شیراز را مسئول حفظ جان و سلامت این فعال دانشجویی زندانی دانست. برادر لیلا حسینزاده در آخرین پست اینستاگرامی خود بعد از طوفان توییتری از ضرب و شتم و انتقال شبانه خواهرش لیلا به زندان اوین خبر داده است.

سپیده قلندری اهل مهاباد زیر شکنجه در تهران به قتل رسید

بیگرد (سپیده) قلندری مدتی قبل در اعتراضات شهر تهران بازداشت و سرانجام زیر شکنجه به قتل رسید، پیکرش را روز دوازدهم دی ماه به شرط سکوت در برابر این جنایت، به خانواده تحویل دادند و در مهاباد به خاک سپردند.*

زاهدان امروز ۱۶ دیماه



کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!

قطعنامه مصوب کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران

و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

گسترش مبارزه توده ای منجر به از هم پاشیدگی رژیم، تثبیت سنگرهای فتح شده، میدان کشاندن هرچه بیشتر بخشهای مختلف جامعه، و امکان اعتصابات کارگری نفسگیر در بخشهای مختلف صنعتی و خدماتی و شکستن کمر رژیم اسلامی میشود. همین امروز فرزندان کارگران و مردم حاشیه نشین و ستمدیده، دانشجویان و جوانان عاصی از وضع موجود، توده های فقر زده و به فلاکت کشیده شده، بوسعت در اعتراضات و مبارزه انقلابی حضور دارند. اما حضور سیاسی و اعتصابی طبقه کارگر نه فقط پیروزی را تضمین میکند بلکه کل تحول سیاسی و انقلابی را وارد فازی نوین و یک انقلاب عظیم اجتماعی میکند.

وضعیت کنونی و چشم انداز سیر رویدادها

۱- به یمن حاکمیت جهل و جنایت سرمایه داری، ایران دومین کشور فلاکت زده جهان است. شکاف طبقاتی و تفاوت درآمدها، مقایسه دستمزد و سطح معیشت کارگران و اکثریت مردم با طبقات دارا و بورژواها، بیانگر یک گسست تمام عیار طبقاتی است. فقر روزافزون در کنار فلاکت اقتصادی، توده های دهها میلیونی طبقه کارگر را در موقعیت ویژه و غیرقابل تحملی قرار داده است. سر کار آوردن رئیسی جنایتکار تنها در یکسال فقر مطلق را چند برابر کرده و سیاست "جراحی اقتصادی" و آزاد سازی قیمتها، دورنمای تاریک تری را مقابل مردم کارگر و زحمتکش قرار داده است.

۲- تا قبل از خیزش توده ای و انقلابی اخیر، جنبش طبقه کارگر موثرترین و قدرتمندترین جنبش سیاسی و طبقاتی در صحنه سیاست ایران بود. اعتصابات و اعتراضات پرشور و گسترده معلمان، پرستاران، بازنشستگان، رانندگان، حاشیه نشینان، هنوز گوشه کوچکی از قدرت اجتماعی طبقه کارگر را منعکس میکند. خصلت این اعتراضات شکستن مرتب تناسب قوا و ترسیم افق و خواستههای جامعه است که خود را هر بار در شعارهای اعتراضات توده ای منعکس میکند. مبارزات و اعتراضات کارگری علیه کارفرمایان و حکومت حافظ سرمایه، مقدمات عروج خیزش توده ای کنونی و در ادامه بمیدان آمدن جنبش میلیونی طبقه کارگر است.

۳- یکی از سوالات کلیدی جامعه ایران مسئله زن است. وجود یک حکومت اسلامی و تحمیل آپارتاید جنسی، ستمکشی زن و تقابل بیوقفه حکومت با زنان، مسئله زن را به یکی از محوری ترین جبهه های نبرد سیاسی بدل کرده است. تقابل صریح و رادیکال زنان با حجاب اسلامی و تبعیض براساس جنسیت از موضع برابری طلبی، جنبش

جامعه ایران در کشاکش یک انفجار عظیم، یک نبرد شورانگیز و قهرمانانه، یک تحول بیسابقه و دورانساز است. این یک تحول انقلابی است که ماهیتاً با کل تاریخ سیاسی یک قرن گذشته ایران متمایز است. این خیزش منکوب شدگان و سرکوب شدگانی است که دیگر سلطه ننگین ارتجاع اسلامی و استبداد پلیسی سرمایه را نمی پذیرند. این حرکت انقلابی نسل جدید زنان و مردانی است که آمده اند تا تاریخی نوین را بسازند. این تحولی رادیکال و ضد اسلامی است که به تغییری زیر و رو کننده در خاورمیانه و کشورهای اسلام زده منجر خواهد شد. این تحول فی الحال دنیا را تکان داده است و سمپاتی صدها میلیون انسان پیشرو و آزادیخواه را بخود جلب کرده است. این خیزش انقلابی جنبش آزادی زن را گامها بجلو برده است و میرود که الگوی آزادی زن در ایران را جهانی کند.

زنان یک آکتور اجتماعی مهم و پیشتاز این تحول انقلابی اند. در کمتر تحول توده ای و انقلابی قرن بیستم زنان اینگونه در قامت رهبر و میلیتانت ظاهر شده اند. برگرفتن دستجمعی حجاب اسلامی و به آتش کشیدن این بیرق بردگی زن امر ساده ای نیست. این آغاز تلاشی برای درهم کوبیدن جنبش تروریستی اسلام سیاسی، تحولی مهمتر از رنسانس، حرکتی پیشروتر و سیاسی تر از جنبشهای تاکنونی زنان در جهان است. هدف بلافصل خیزش عظیم و توده ای انقلابی زنان و مردان در گام اول سرنگونی رژیم اسلامی است اما به این محدود نخواهد شد. طوفان سیاسی قدرتمندی که راه افتاده است، ظرفیت اینرا دارد که کل بنیادهای ارتجاع و استبداد، کل ارکانهای ستم و تبعیض و نابرابری را درهم بکوبد.

صورت مسئله اساسی و محوری این جدال قدرت سیاسی و تعیین نظام آتی است. برخلاف دوره های پیشین اینبار طبقات و جنبشهای طبقاتی با راه حلهای متمایز طبقاتی بجلو صحنه آمدند. دو افق، دو آینده، دو جنبش؛ جنبش راست و بورژوائی پرو غرب و جنبش طبقه کارگر و کمونیسم، نیروهای اصلی این نبرد تعیین کننده اند. هر دو جنبش و احزاب سیاسی شان در اقتصاد سیاسی یک نظام سرمایه داری ریشه دارند و هر دو جنبش شانس پیروزی دارند. جدال برسر اعاده وضع موجود و بازسازی سرمایه داری، و نفی نظام مبتنی بر استبداد و استثمار و زن ستیزی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست یک نیروی معرفه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، حزب انقلاب کارگری، حزبی ضد اسلامی، حزب نماینده آمال و آرزوهای دهها میلیون زن و مرد و مردم کارگر و زحمتکش است.

شرط پیروزی جنبش انقلابی جاری اینست که مبارزه توده ای کنونی وسیعاً و میلیونی گسترش یابد. تا امکان سرکوب را به حداقل برساند.

قطعنامه مصوب کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران

و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ...

ملزومات دست بدست کردن قدرت و یک دولت انتقالی را از درون صفوف طبقه بورژوازی فراهم کنند. در عین حال گسترش مبارزه توده های طبقه کارگر علیه بیحقوقی و فساد سیستماتیک حکومتی، به گسترش انتقاد سوسیالیستی علیه وضع موجود کمک شایانی کرده است. اگر هر تازه ژورنالیست و تازه اقتصاددانی علیه سوسیالیسم و کمونیسم منبر میروند، این چیزی جز انعکاس وارونه پتانسیل جنبش اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر و اهداف آزادیبخش کارگری نیست.

۷- حزب کمونیست کارگری- حکمتیست نماینده رادیکال ترین انتقاد سوسیالیستی و مارکسی به وضع موجود و جزئی لاینفک از این نبردهاست. برای حزب کمونیست کارگری- حکمتیست و کمونیسم در ایران، ایندوره تعیین کننده و سرنوشت ساز است. شرط پیروزی اینست که جنبش طبقه کارگر سازمانیافته با پرچم سوسیالیستی در این کشمکش حضور یابد و تصویر روشنی از معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی داشته باشد. برای هر تغییر انقلابی باید بدو از قدرت حاکم خلع ید کرد و قدرت سیاسی را بکف آورد. نبرد اساسی تازه بعد از سرنگونی برای تعیین تکلیف آینده آغاز میشود. کنگره دهم حزب به جامعه و طبقه کارگر متعهد میشود که این فرصت را از دست ندهد و با تمام قوا برای بسیج و سازماندهی نیروی پیروزی کمونیسم و انقلاب کارگری در ایران تلاش میکند.

خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب در دوره کنونی

در این راستا خط مشی سیاسی و تاکتیکی ما در ایندوران پرتحول مبتنی است بر:

- الف- تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و اردوی سوسیالیست ها از جنبشها و صفوف بورژوازی.
- ب- جدال بیوقفه برسر افق و هژمونی انقلابی و سوسیالیستی در تحولات جاری بمثابة یک رکن قدرتگیری کمونیسم.
- پ- ظاهر شدن بمثابة قدرت آلترناتیو. نه قاطع به هر راه حل بورژوائی، برای حاکمیت کارگران و شوراهای.
- ت- مبارزه آگاهانه برای تغییر مستمر مُعادله تناسب قوا، عقب راندن دستگاه سرکوب و کشمکش برسر قدرت سیاسی.
- ث- استقرار قدرت حزبی و کارگری به هر میزان و هر جا که ممکن است؛ در کارخانه ها و مراکز کار، در شهرها و محلات و محیط زندگی، با اتکا به شوراهای، بریگادهای کارگری، نیروی نظامی و توده ای.
- ج- در هم شکستن نقطه سازشهایی که جنبشهای بورژوائی

صفحه ۱۴

آزادی زن را به یک رکن مبارزه سوسیالیستی بدل کرده است. ما بدرست تاکید کرده ایم که هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران رنگی زنانه دارد و به این معنا انقلاب آتی ایران، "انقلابی زنانه" است. مبارزات پرشور و گسترده علیه قتل حکومتی مهسا امینی با پیشتازی زنان همین واقعیت را تاکید میکند. واضح است، مسئله آزادی و رهائی کامل زن به پیروزی بر نظام ملو از تبعیض و استثمار سرمایه گره خورده است. ایران از نادر کشورهای جهان است که یک جنبش سرزنده کارگری علیه فقر و فلاکت و یک جنبش توفنده و رادیکال زنان برای استیفاء برابری زن و مرد دارد. جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادی زن، دو رکن اساسی و رادیکال سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۴- سرنگونی جمهوری اسلامی محتوم است. نیروی اصلی سرنگونی نسل جدید، زنان آزادیخواه، دهها میلیون مردمی هستند که به فقر و فلاکت و تبعیض و سرکوب محکوم شدند. لذا اعتصابات کارگری سیر روبه رشد و کیفیت جدیدی به تناسب اوضاع انقلابی خواهند یافت و خیزشهای توده ای رادیکال زحمتکشان شهری علیه فقر و فلاکت دامنه گسترده تری خواهند یافت. هر اقدام حکومت برای تشدید فقر و سرکوب، مانند شمشیر دولبه عمل میکند و دامنه تعرض انقلابی و توده ای به حکومت را بمراتب گسترش میدهد. حکومت اسلامی در متن تشدید بحرانهای حاد و فساد بی حد و حصر، بیش از هر زمان نامشروع تر، بی افق تر و ناتوان از تامین حداقل نیازهای پایه ای شهروندان است.

۵- مسئله بقای نظام و سرکوب اعتراضات روبه رشد جاری محوری ترین سوال حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی با بازی در شکاف رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای و اتکا به تروریسم، تلاش دارد تضمین بقای حکومت را بگیرد. در اوضاع جهانی امروز، بازیگران صحنه سیاست ایران محدود به کارگران و توده مردم با رژیم اسلامی نیست. در دنیای امروز هر نیروی سیاسی راست سرنوشت خود را به جنگ و رقابت یکی از قدرتهای سرمایه داری گره زده و جمهوری اسلامی نیز در مذاکرات با دول غربی و نزدیکی با دولتهای سرمایه داری چین و روسیه، همین سیاست را دنبال میکند. سرنوشت حکومت اما در داخل کشور رقم میخورد. نه تولید بمب هسته ای و نه وارد شدن به هر ائتلاف سیاسی و اقتصادی کمکی به رفع بحران رژیم و تغییر رابطه بشدت آنتاگونیزه مردم و حکومت نمیکند.

۶- عناصر حکومتی و مفسران بورژوا دیروز از "خطر" انقلاب سخن میگفتند و امروز تلاش دارند حرکت انقلابی را مسخ کنند. بورژوازی کابوس عروج پرولتاریا و کمونیسم را دارد. لذا برای مُمانعت از پیامدهای اجتماعی بحران سیاسی و اقتصادی و عروج جنبش سوسیالیستی کارگران، تلاش میکنند حداقلامکان بدون دخالت مردم،

کارگران جهان متحد شوید!

قطعه‌نامه مصوب کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران

و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ...

یگانه نیروی اجتماعی برای خاتمه دادن به اوضاع مشقت بار کنونی است. ما و طبقه کارگر، ما و زنان و مردان آزادیخواه، در ابقای تبعیض و استبداد و استثمار ذینفع نیستیم بلکه تنها نیروی نفی این اوضاعیم. اما طبقه کارگر بدون درهم کوبیدن کل نهادها و قدرت بورژوازی نمیتواند بمثابه یک طبقه آزاد شود و برای آزادی بعنوان یک طبقه لازم است کل جامعه را از قید بردگی مزدی و مالکیت خصوصی و استثمار اقتصادی آزاد کند. این امر تنها با کمونیسم ممکن است. هیچ زمان مانند امروز کمونیسم به نیاز طبقه کارگر و مردم محروم جهان تبدیل نشده است.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست نماینده پرشور این کمونیسم است. کنگره دهم حزب، رهبران کمونیست طبقه کارگر و کارگران مبارز، زنان جسور و انقلابی و سوسیالیست ها را به اتحاد و تشکل تحت پرچم کمونیستی حزب فرامیخواند. دنیای امروز در متن جنگ و رقابت امپریالیستی و رکود اقتصادی نیازمند صفتبندی ضد کاپیتالیستی و سوسیالیستی طبقه کارگر و انقلاب علیه کلیت حاکمیت سرمایه است. ایران بنا به شرایط و مشخصات سیاسی اش، مناسب ترین کاندید برای این پیروزی است. پیروزی کارگر و کمونیسم در ایران کمونیسم را در جهان احیا میکند.

مصوب کنگره دهم حزب باتفاق آرا

اکتبر ۲۰۲۲

در سیر مبارزه مردم طرح میکنند. علیه بند و بست نیروهای راست از بالای سر مردم.

چ- جنگ بی‌امان با ناسیونالیسم و ملی گرایی، با پوپولیسم و اپورتونیزم، افشا و انزوای سیاست ارتجاعی "همه باهم" و "آشتی طبقاتی".

ح- علیه خاکریزهای بورژوازی در دوران گذار انقلابی مانند "مجلس موسسان" و "مجلس ملی".

خ- سیاست سرنگونی هر دولت بورژوازی تا درهم کوبیدن کامل ماشین دولتی و ارکان قدرت بورژوازی.

د- تلاش برای سازماندهی و عروج یک جنبش قدرتمند شورائی، ارتقای مجمع عمومی به یک جنبش مجمع عمومی بمثابه رکن اساسی شوراهای کارگری. کمک به تشکیل شوراهای مردمی بمثابه ارگان حاکمیت مستقیم مردم.

ذ- تلاش برای ایجاد سازمانهای مستقل توده ای زنان، سازمانهای توده ای مردم زحمتکش در محلات و مراکز آموزشی.

ر- بسیج نیروی جنبش کمونیسم کارگری و انقلابیون و سازماندهی قیام برای سرنگونی با یک پرچم کارگری و چپ.

ز- تسلیح عمومی کارگران و مردم زحمتکش برای دفاع از دستاوردهای قیام.

ژ- تلاش برای شکل دادن به دولت برآمده از قیام بمثابه دولت قیام کنندگان، استفاده از ابزار دولت برای بسط مبارزه طبقاتی و بسیج طبقه کارگر برای تداوم انقلاب و سازماندهی انقلاب کارگری.

...

ایران در یکی از حساس ترین دوره های تاریخ یک قرن گذشته قرار دارد. از میان آکتورهای سیاسی، طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی اش



آزادی، برابری، رفاه!

بیانیه مفاد

سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی

ایران دستخوش یک تحول انقلابی است. تحولی ضد اسلامی، زنانه، علیه فقر و فلاکت، تبعیض و نابرابری که سرنگونی جمهوری اسلامی هدف فوری آنست. امروز همه از سرنگونی جمهوری اسلامی حرف می زنند. در عین حال، جنبشهای مختلف معنا و مفهوم خود را از سرنگونی رژیم اسلامی بدست میدهند. اردوی بپاخاستگان، کارگر و کمونیسم، زنان انقلابی که در صف اول نبرد علیه اسلام و خرافه اند و تصاویرشان در رسانه ها به لوگوی این خیزش بدل شده است، دانشجویان و جوانان انقلابی و پیشرو نیز افق و معنای خود را از سرنگونی جمهوری اسلامی و بزیر کشیدن جمهوری اسلامی دارند.

برای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست و جنبش عظیم و رادیکالی که امروز در ایران در جریان است، معنای سرنگونی جمهوری اسلامی در بندهای زیر اجرا میشود:

۱- درهم شکستن ماشین دولتی و انحلال تمامیت حکومت جمهوری اسلامی، با جناحها و کلیه بنیادهای سیاسی - اداری و نظامی و مذهبی آن.

۲- دستگیری و محاکمه و مجازات سران جمهوری اسلامی در یک دادگاه علنی.

۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی. لغو "جرم" سیاسی و برچیدن زندان سیاسی. لغو مجازات اعدام. لغو شکنجه.

۴- انحلال ارگانهای سرکوب و مافوق مردم اعم از سپاه پاسداران، ارتش و نهادهای انتظامی و سازمانهای اطلاعاتی. مصادره و کنترل بر کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی ها.

۴- مسلح کردن مردم در ملیس توده ای برای دفاع از آزادی فرد و جامعه، برای سرکوب مقاومت بازماندگان جمهوری اسلامی، برای مقابله با تعرض هر نیروی ارتجاعی به آزادی ها و حقوق مردم.

۵- کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم. برچیدن و انحلال بنیادها و موسسات مذهبی حکومتی. مصادره اموال و دارائی های این موسسات تولید جهل و خرافه و کلیه موقوفات و تخصیص آن برای رفع نیازهای فوری مردم.

۶- الغای کلیه قوانین و مقررات مذهبی. جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. آزادی مذهب و بی مذهبی برای بزرگسالان.

۷- نفی کامل اختناق از طریق اعلام و اجرای آزادی بی قید و شرط سیاسی و عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و

اعتصاب. لغو انحصار دولتی بر رسانه ها. دسترسی همگانی بویژه تشکلهای توده ای کارگران و مردم و احزاب سیاسی به رسانه های جمعی دولتی.

۸- نفی کامل آپارتاید جنسی و حجاب و ستم براساس جنسیت از طریق لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز، اعلام و اجرای برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی.

۹- نفی هر نوع ستم و تبعیض از طریق اعلام و اجرای برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۱۰- نفی فقر و تضمین تامین معیشت و رفاه همه شهروندان متناسب با امکانات و استانداردهای دنیای امروز، از طریق تعیین متوسط دستمزد پاسخگوی این سطح از زندگی توسط شوراهای و نهادهای منتخب کارگران، تامین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال، پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار ندارند، تضمین آموزش و بهداشت و سلامتی رایگان شهروندان.

۱۲- اعمال حاکمیت توده ای در سطوح مختلف از طریق ایجاد ارگانهای اعمال اراده مستقیم مردم. ایجاد شوراهای در محل کار و زیست تا سطوح شهری و منطقه ای و سراسری متضمن اعمال اراده مستقیم کارگران و مردم آزادیخواه بجای حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، طبقه کارگر و جنبش آزادی زن و مردم زحمتکش و آزادیخواه، احزاب سیاسی چپ و انقلابی و کمونیست، تشکل های توده ای و فعالین سیاسی را به تلاش برای پیروزی بر جمهوری اسلامی با یک پرچم چپ فرامیخواند. برای این اردو حیاتی است که افق و معنا و مضمون سرنگونی جمهوری اسلامی را توده گیر کند، در هر مرحله و تناسب قوای مبارزه به آن متکی شود و به چیزی کمتر از سرنگونی کامل جمهوری اسلامی رضایت ندهد.

اجرای فوری مفاد بالا گشایش مهمی در شرایط کار و زندگی و در حیات سیاسی و اجتماعی مردم ایجاد میکند. در عین حال برای طبقه کارگر و اردوی کار ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از ملزومات و گام اول رهایی قطعی از استثمار و ستم سرمایه داری و تلاش برای تحقق یک پیروزی کارگری، استقرار و اجرای آزادی و برابری و رفاه، و بنیاد گذاشتن جمهوری سوسیالیستی است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آذر ۱۴۰۱ - نوامبر ۲۰۲۲

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کمک مالی کنید!

خیابان سنگر ماست، سنگرها را حفظ کنیم!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

پروین کابلی

parvin.kaboli@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienszade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com



به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کمک مالی کنید!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!